

این کاغذهای دوست‌داشتنی

شبیبا ملک

دبیر فیزیک منطقه ۳ تهران



از برخی صفحات کتاب‌های متنوع و پر از تصویر فیزیک هم که در اختیار دارم، کپی‌هایی تهیه کرده‌ام که نمونه آن‌ها در این پوشه پلاستیکی است.

هرگاه بخواهم طرح درس بنویسم یا کاربرگ یا پرسش تهیه کنم، از تصویرها و سؤال‌هایی که در پوشه‌ها و زونکنم دارم، یک کپی (روی کاغذ باطله!) تهیه می‌کنم. کاغذهای سؤال، تصویرها، چسب، قیچی و گاه ماژیک‌های رنگی. این‌ها ابزار کار من هستند. نگاه مجدد به برگه‌های سؤال‌ها و کاربرگ‌های قدیمی، گاه لبخندی بر لبم می‌نشانند. با برخی از آن‌ها، ناخواسته سفری به گذشته‌ها می‌کنم. عجب سؤال جالبی بود! یکی از دانش‌آموزان در پاسخ به آن یک بیت شعر نوشت! وای! این چه سؤال نامناسبی بود! چقدر دانش‌آموزان به اشتباه افتادند.

این احساس تنها با لمس کاغذها و استشمام بوی کهنگی آن‌ها در من ایجاد می‌شود؛ احساسی که با زیر و رو کردن پوشه‌ها در رایانه‌ام اصلاً برانگیخته نمی‌شود. من اسکن کارهای جالب بچه‌ها و نمونه اغلب سؤالات را در رایانه‌ام دارم اما همچنان همیشه آن زونکن بزرگ و چسب و قیچی را ترجیح می‌دهم و هنوز هم مستندات کاغذی برایم مستندترند!

«بانک سؤالات!» چه عبارت ترسناک و پرطمطراقی! عبارتی که همیشه مرا به یاد کتاب‌های کمک‌آموزشی می‌اندازد. دوست معلمی دارم که بانک سؤالاتش در یک فلش (حافظه) معمولی جای می‌گیرد.

اما من! من یک زونکن بزرگ پر از برگه‌های متنوع سؤال دارم. یک جعبه مقوایی زیبا هم دارم که روی آن نوشته‌ام: «یادگاری!»

در این جعبه هرچی را که در دوران معلمی برایم جالب و دوست‌داشتنی بوده است، گذاشته‌ام؛ نوشته‌های بامزه بچه‌ها، نمونه گزارش آزمایش‌های بچه‌ها که به نظرم نکته خاصی دربردارد، گزارش نظرسنجی از کلاس‌هایم، چند عکس از لحظات هیجان‌انگیز در کلاس که پشت آن تاریخ و متن رویداد را ثبت کرده‌ام و...

یک پوشه پلاستیکی هم دارم که روی آن نوشته‌ام: «تصاویر». تصاویر مرتبط با درس را که از منابع گوناگون در اینترنت جست‌وجو و گردآوری کرده‌ام، روی صفحات ورد کپی کرده و یک نمونه از آن‌ها را در این پوشه قرار داده‌ام.